**بنام یکتا خداوند بیمانند**

امروز آفتاب گفتار یزدانی از افق شماء خامهء بیان مشرق و لائح و به تجلی از تجلیاتش افئده اهل جهان منور و روشن، آتش محبت افروز امروز در گیتی ظاهر و نمایان بگو ای دستوران، دریای بخشش امام ابصار مواج، اوهام را بگذارید و قصد افق نیر ایقان نمائید و گمراهان را به خباء عرفان مقصود عالمیان آگاه سازید از برای خدمت این روز پیروز آمده اید جمیع دفاتر و دساتیر کل را بشارت داده و لقاء این یوم مبارک و ظهور آن مسرور نموده و به نیروی توکل و انقطاع قصد مقام اعلی نمائید و خود و عباد را از کوثر زندگانی محروم مسازید.

یا حسین نامه ات رسید و به حضور و اضغاء فائز و دریای فضل از شطر سجن بتو توجه نمود و هر موجی از امواجش باین کلمهء علیا ناطق، روشن باد چشم عالم وامم چه که سرآغاز در انجام ظاهر و نور مستور امام وجوه ظاهر هر بنده ای بندگان دراین ایام باید ازسه چیز بگذرد تا به سه چیز فائز گردد. سه چیز اول آز و وهم و خواهش نفس و سه چیز آخر اقبال و اقرار و ایقان. آنچه ذکر شد رازهای حضرت بی نیاز است که در نامه های آسمانی مذکور و در خزینهء عصمت ربانی محفوظ ومصون، بهرام را از قبل مالک انام ذکر نما و اسرار مکنونه که از خزانهء خامه و آمه الیوم ظاهر بر او القا کن از خداوند یکتا میطلبیم او را تائید فرماید تا به قوت الهی دستوران را به مقصود اصلی فائز نماید. بگو روز روز خدمت و قیام است نه قعود و اوهام. حجبات را خرق کن و سبحات را از میان بردار تا اهل جهان به راز نهان آگاه شوند و دوست یکتارا بیابند و به لقائش فائز گردند. یا حسین ندا در کل حین مرتفع است طوبی از برای سمعی که از قصصهای احزاب عالم مطهر شد و به اصغاء نداء مالک اسماء فائز گشت .اولیای آن ارض را تکبیر برسان، بگو امروز که آسمان به آفتاب عنایت یزدان مزین است به قلوب بشتابید شاید به سبب و علت ظهور وجود پی برید و آگاه شوید امروز کنوز عالم به یک قطره ‌ازدریای آگاهی معادله ننماید انک اذا فزت بلوحی و شربت رحیق البیان من کاس عطائی قل :

إلهي إلهي نوّر أفئدة عبادك بنور معرفتك ثمّ ادخلهم في ظلّ قباب عظمتك و لجّة بحر أحديّتك أي ربّ تراني مقبلا إليك و منتظرا بدائع جودك و فضلك لنفسي و لخلقك أسئلك باقتدار إصبعك الّذي بحركته تحرّكت الوجود من الغيب و الشّهود بأن تفتح على وجوه أحبّائك أبواب نعمتك و بركتك و علوّك و إقتدارك و قوّي أياديهم لأخذ صحفك و زبرك و ألواحك أي ربّ أنا عبدك و ابن عبدك متمسّكا بحبلك و متوجّها إلى بحر عطائك أسئلك أن لا تخيّبني عمّا أنزلته في كتابك و قدّرته لأصفيائك إنّك أنت المقتدر الغفور الرّحيم لا إله إلّا أنت الفضّال الكريم.